

قتل نفس

از

بزرگترین جرائم

قتل نفس که در عصر حاضر و در قوانین جدید بصورت جرم عمومی درآمده ، وقضات بنام حفظ منافع اجتماعی و برقراری نظم جامعه مرتکبین قتل را تعقیب می نمایند ، از خطرناکترین جنایات و بزرگترین جرائمی است که سابقه تاریخی آن از همه جرائم بیشتر بوده ، و در کلیه شرایع یا قوانین باستانی پیرامون آن بحث شده است .

قرآن مجید نخستین تعدی و تجاوز انسان را بر انسان بصورت قتل نفس یاد آورده و همین جنایت را منشأ و اساس اولین تشریح جنائی در نخستین ادوار زندگی اجتماعی انسانهای اولیه نشان میدهد (۱)

البته در اجتماعات ابتدائی قتل نفس و کیفر آن معمولاً شکل انتقامجویی داشته و از حدود جنبه های شخصی و خصوصی تجاوز نمی کرده است باین معنا که اگره ولی دم ، (اولیاء شخص مقتول) قدرت داشت و می توانست ، در مقام قصاص برمی آمد ، در غیر این صورت راه دیگری برای انتقام و مجازات وجود نداشت .

مثلاً اعراب در دوره قبل از اسلام قاتل را از راههای گوناگون ، و با کیفرهای مختلف

(۱) قرآن پس از آنکه ماجرای کشته شدن «هابیل» را بدست « قایل » بیان میکند ، چنین میفرماید : من اجل ذلك کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس اوفساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً ومن احیایها فکانما احیا الناس جمیعاً . . .

(آیات ۲۷ تا ۳۲ از سوره مائده)

یعنی : بدینجهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم هر کس ، شخصی را بدون اینکه قتلش کرده و یا فساد در زمین راه انداخته باشد ، بکشد ، مانند اینست که همه مردم را کشته است و هر کس فردی را زنده دارد ، چنانست که همه مردم را زنده نگه داشته باشد .

بمجازات میرسانند که از آن جمله قتل بود .

ولی در اجرای این کیفر هیچگاه جانب عدالت را رعایت نکرده و در بسیاری از موارد بجای قاتل دیگری رامی کشتند ، ویا گاهی چند نفر را در برابر یک نفر بقتل میرساندند و چه بسا که خون انسانی را در مقابل کشتن چهار پائی میریختند و همین بی عدالتیها بود که موجب اختلافات قبیلگی و زد و خورد های طایفه ای میشد و پیوسته آنها را بجنگهای طولانی میکشید .

اعراب حتی در جراحات و دیات هم بحکم عصبیت قبیلگی و نژادی رفتار کرده و گاهی چندین برابر دیه گرفته و یا جراحات وارد میکردند !

در کتب تفسیر ، در مقام بیان شأن نزول آیات قصاص داستان زیر که نموداری از رویه ظالمانه اعراب زمان جاهلیت است ، نقل شده :

« انسانی از اشراف عرب بوسیله شخصی عادی بقتل رسید ، خویشان و نزدیکان قاتل جمع شده و نزد پدر مقتول رفتند و باو گفتند چه میخواهی انجام بدهی ؟

پدر گفت : یکی از سه چیز را :

یا اینکه پسر مرا زنده کنی ! و یا خانه ام را از ستارگان آسمان پر کنی ! و یا اینکه فرد فرد قبیلۀ شما را خواهم کشت (۱) ! . . .

قتل نفس در قوانین قدیم روم

در قوانین قدیم روم کیفر «قتل نفس» قتل بود ، ولی نظام طبقاتی معروف روم باستان در تطبیق مجازاتها اثر فراوانی داشت . چون اگر قاتل از طبقه اشراف بود ، او را نمی کشتند بلکه کیفر او تنها تبعید بود ، و اگر از طبقه متوسط بود او را گردن میزدند ، و هر گاه قاتل از طبقه پست بود او را به دارمی آویختند ، و در تغییراتی که بعداً در قوانین روم بعمل آمد ، مقرر گردید که قاتل از طبقه پست را در قفس حیوانات درنده بباندازند تا طعمه حیوانات مزبور گردد .

چهار دوره بر قوانین جنائی ملت روم گذشت که آخرین دوره و مرحله آن دخالت مستقیم و مباشرت دولت بعنوان اقتضای مصالح عمومی بر مجازات جرمها بود ، و در این دوره نه تنها دولت بر کیفر جرائم و جنایاتی که مستقیماً با مصالح و منافع اوتماس داشت مانند جاسوسی و یا ایجاد انقلاب ، نظارت کامل داشت ، بلکه مجازات جرائمی را که قبلاً جنبه شخصی و خصوصی بخود گرفته بود ، و بعنوان اینکه این جرمها نظم و امنیت جامعه را دستخوش اختلال میسازند زیر نظر گرفت .

و بدین ترتیب قتل نفس ، از شکل انتقامجویی و حدود جنبه های شخصی خارج شد و صورت جرائم عمومی بخود گرفت .

(۱) تاریخ العرب - الاسلام عقیده و شریعة ص ۳۲۸

ولی همان سیستم منحط طبقاتی کم و بیش در اجراء قوانین کیفری مؤثر بود (۱)

* * *

قتل نفس در تورات

در تورات قتل بعنوان بزرگترین گناهان و عظیم ترین جرائم نزد پروردگار عالم شمرده شده و پاره ای از شکل های قتل نفس را متذکر گردیده که بعضی از آنها مستوجب قصاص است و برخی مستحق قصاص نیست .

و ما برای مزید اطلاع خوانندگان محترم ذیلا جمله هایی را از کتاب مقدس که در سنه ۱۹۰۱ میلادی در دارالسلطنه لندن بطبع رسیده ، میآوریم :

و هر که انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود * اما اگر قصد او نداشت بلکه خدا ویرا بدستش رسانید آنگاه مکانی برای تو معین کنم تا بدانجا فرار کند * لیکن اگر شخصی عمداً بر همسایه خود آید تا او را بمکربکشد آنگاه او را ازمذبح من کشیده بقتل برسان * و هر که پدر یا مادر خود را زند هر آینه کشته شود * و هر که آدمی را بدزدد و او را بفروشد یا در دستش یافت شود هر آینه کشته شود * و هر که پدر یا مادر خود را لعنت کند هر آینه کشته شود * و اگر مردم جنگ کنند و زنی حامله را بزنند و اولاد او سقط گردد و ضرری دیگر نشود البته غرامتی بدهد موافق آنچه شوهر زن بدو گذارد و بحضور داوران ادا نماید .

و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان بعوض جان بدهد * و چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا * و داغ بعوض داغ و زخم بعوض زخم و لطمه بعوض لطمه * « (۲)

و در جای دیگر میگوید :

و تا خون بیگناهی در زمینیکه یهوه خدایت برای ملکیت بتو میدهد ریخته نشود و خون برگردن تو نباشد * لیکن اگر کسی همسایه خود را بفض داشته در کمین او باشد و بر او برخاسته او را ضرب مهلك بزند که بمیرد و بیکی از این شهرها فرار کند * آنگاه مشایخ شهرش فرستاده او را از آنجا بگیرند و بدست ولی خون تسلیم کنند تا کشته شود * چشم تو بر او ترحم نکند تا خون بیگناه را از اسرائیل دور کنی و برای تو نیکو باشد * « (۳)

(۱) کتاب المقارنات ، تألیف محمد صبری - کتاب القانون الرومانی - تألیف علی

بدوی .

(۲) سفر خروج - باب ۲۱ - ۱۲ - ۲۶

(۳) سفر تثئیه - باب ۱۹ - ۱۰ - ۱۴

* * *

قتل نفس در انجیل:

برخی از اهل نظر معتقدند که کشتن قاتل بعنوان کیفر و مجازات قتل نفس در دستورات انجیل وجود ندارد و مستند آنها هم کلامی است که در انجیل از حضرت عیسی بن مریم (ع) نقل شده :

« شنیده اید که گفته شده است چشمی بچشمی و دندانی بدندان ***** لیکن من بشمامی گویم با شیر مقاومت مکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز بسوی او بگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار ***** و هر گاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو » (۱)

و بعضی از مفسرین گفته اند مسیحیان هنگام قتل عمد ، قاتل را به پرداخت «دیه» (خونبها) کیفر میکنند و آنچه که جزو شریعت آنها نمی باشد عبارت است از قصاص قاتل به قتل .

ولی سید محمد رشید رضا در تفسیر خود « المنار » از استادش شیخ محمد عبده « روایت میکند که : وی دیه را بعنوان یک فریضه حتمی در نزد مسیحیان انکار نموده و میگوید : مادر کتابهای آنها مطلبی را در این خصوص ندیده ایم . (۲)

و از طرفی این مطلب که کشتن قاتل از احکام انجیل نیست منافات دارد با گفته حضرت مسیح که در همین انجیل از آن حضرت نقل شده :

« گمان میرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم ، نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم ***** زیرا هر آینه بشمامی گویم تا آسمان و زمین زایل نشود ، همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود (۳) و این قول که در انجیل از آن حضرت نقل شده مورد تأیید قرآن مجید هم نیز هست (۴) و بنا بر این آنچه که از آن حضرت نقل شده :
« ... با شیر مقاومت مکنید و ... » (۵) (بر فرض صحت و عدم تحریف حمل بر عفو و اغماض و تسامح میگردد که در بسیاری از آیات قرآن کریم هم وارد شده است (۶) و منافاتی با استمرار حکم قصاص که در تورات آمده ، ندارد :

ناتمام

(۱) انجیل متی - باب پنجم - شماره ۳۸ - ۴۲

(۲) تفسیر المنار ج ۳

(۳) انجیل متی - باب پنجم شماره ۱۷ - ۱۸

(۴) و مصداقاً لما بین یدی من التوراة : سوره آل عمران آیه ۵۰

(۵) انجیل متی - باب پنجم شماره ۳۸ - ۴۲

(۶) فمن عفا واصلح، فاجرہ علی اللہ (سوره شوری آیه ۴۰)